

دکتر محمدنبی سلیم

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

Mohsen۱۹۶۷@gmail.com

مریم حیدری

کارشناس ارشد تاریخ

heydarimaryam۵۱@gmail.com

نسخه‌ای نویافته از عالم‌آرای شاه تهماسب

چکیده:

یکی از سنت‌های تاریخ‌نگاری ایران، نگارش کتاب‌هایی درباره زندگانی پادشاهانی است که دوران زمامداری ایشان با تحولات بسیار اثرگذاری همراه بوده است. یکی از این دست کتابها-که به صورت نسخه خطی می‌باشد- توسط «اسماعیل حسینی مرعشی تبریزی» معروف به میرملایم‌بیگ از نویسندگان دوران شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم صفوی نگاشته شده است و آن را می‌توان «عالم‌آرای شاه‌تهماسب» نام نهاد. نویسنده در این کتاب با هدف شرح وقایع دوره زمامداری شاه تهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴) به تالیف رخداد‌های واقعه از سال ۹۳۰ تا ۹۸۱ ق و به صورتی داستان‌گونه همراه با گزارش‌های تاریخی پرداخته است. از آنجا که نسخه مذکور آگاهی‌های بسیار سودمندی از اوضاع سیاسی و نظامی عهد شاه‌تهماسب در اختیار می‌گذارد و افزون بر آن اطلاعات مفیدی از منظر اجتماعی و فرهنگی درباره احوالات عامه مردم، آن هم با زبانی روان و نثری سهل‌الوصول ارائه می‌دهد، لذا در این مقاله به معرفی آن پرداخته شده است.

این مقاله با هدف معرفی و بررسی ویژگی‌های متعدد و درخور این کتاب -که کمترین بدان توجه شده است- می‌کوشد در حد اجمال و با دسته‌بندی و تبیین خصوصیات اصلی و برجسته این نسخه، اهمیت و ارزش نسخه مذکور را یادآور شود.

کلید واژه‌ها: نسخه خطی، عالم‌آرای شاه‌تهماسب، ملایم‌بیگ، تهماسب اول صفوی.

مقدمه

دوران حکومت صفوی به دلیل طولانی‌بودن مدت سلطنت خاندان شیخ‌صفی، تمرکز سیاسی و رسمیت‌یافتن آیین تشیع، یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است، دورانی که با سلطنت شاه‌اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰) آغاز گردید. نخستین شاه صفوی دارای چهار فرزند به نام‌های تهماسب‌میرزا و بهرام‌میرزا (که مادرشان دختر امیری از امرای موصولو ترکمان بود)، القاص‌میرزا و سام‌میرزا بود. پس از مرگ این پادشاه، امیران کشوری و لشکری به سلطنت تهماسب‌میرزا که ارشد و اکبر شاهزادگان بود، اتفاق کردند و او در سن یازده‌سالگی بر تخت سلطنت جلوس کرد.^۱ بدین‌ترتیب از ۱۹ رجب سال ۹۳۰ تا سه‌شنبه ۱۵ صفر سال ۹۸۴، نزدیک به پنجاه‌وچهار سال بر ایران حکومت کرد. بنابراین تاریخ سلطنت تهماسب اول بخش قابل‌ملاحظه‌ای از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوران صفوی را تشکیل می‌دهد.^۲ که در این مدت کشور بارها مورد حمله ازبکان، ترکان عثمانی، و در معرض کشاکش سران قزلباش قرار گرفت.

اما یکی از ویژگی‌های مطالعاتی دوره سلطنت شاه‌تهماسب، کمبود منابع برای کسانی است که تمایل دارند به طور اختصاصی به کنکاش در تاریخ این عهد پردازد. در شرایطی که هرگونه میراث مکتوب در قالب سند و نسخه خطی به عنوان منبع اطلاعات از این دوره می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد؛ یافتن نسخه خطی نادر و منحصر به فردی از تاریخ این دوران کشفی قابل‌اعتناء می‌تواند تلقی گردد. به ویژه که بر خلاف تواریخ دودمانی و عمومی، تألیفاتی که به طور خاص و مفصل به دوران زندگی پادشاهان برجسته ایران می‌پردازند، از اهمیتی مضاعف برخوردارند. فلذا نگارندگان با جستجو در میان فهرست نسخ خطی و با کمک و راهنمایی جناب آقای احسان‌الله شکراللهی نسخه‌شناس و آقای محمدحسین حکیم فهرست‌نویس زبردست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، موفق به مشاهده و مطالعه این نسخه ارزنده و بایسته شدند. علی‌رغم نقصان نسبی در صفحات آغازین کتاب - که نام احتمالی و برنهاد مولف را می‌توانسته در خود داشته باشد- با مطالعه نسخه مذکور، مشخص گردید که علی‌رغم حجم بسیار زیاد نسخه و نوع بیان و دیدگاه نسبتاً عامیانه مولف، اثر فوق‌الذکر حاوی مطالبی ارزنده و گاه نادر است که به خوبی زمینه فکری، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره نخستین و میانه عصر صفوی را توصیف و تبیین می‌کند.

شناخت منابع عصر صفوی

جای بسی خوشبختی است که طی سالیان اخیر معرفی و تصحیح منابع دوره صفوی توسط محققان بسیاری مدنظر قرار گرفته است. از جمله کتاب‌هایی چون تذکره شاه‌تهماسب، نقاوه-الاثار، احسن‌التواریخ، روضه‌الصفاء، صفوه‌الصفاء، عالم‌آرای عباسی، تکمله‌الاجبار، خلاصه-التواریخ، روزنامه ملاجلال منجم، عباسنامه و... که هر کدام بخش مهمی از تاریخ پرفرازونشیب این دوران را به تصویر کشیده‌اند. اما تنها برخی از متون دست اول تاریخی چون تذکره شاه‌تهماسب (که ظاهراً به دست خود شاه‌تهماسب نوشته شده و از تاریخ جلوسش تا تسلیم کردن شاهزاده بایزید یعنی تا سال ۹۶۹ ه. ق را دربرمی‌گیرد) و احسن‌التواریخ حسن‌بیگ روملو (که نگارش آن فقط یک‌سال پس از مرگ شاه‌تهماسب یعنی به سال ۹۸۵ ه. ق پایان می‌پذیرد.^۳) برجسته‌تر از منابع دیگر می‌توانند در شناخت بهتر دوره فرمانروائی دومین پادشاه صفوی محققان را یاری دهند. همچنین منابعی که به هر دو دوره شاه‌اسماعیل و تهماسب اول اختصاص دارند؛ مثل کتاب روضه‌الصفای میرخواند و...، به دلیل پرداختن مشروح به تاریخ نخستین پویش‌های خاندان شیخ‌صفی، تنها صفحات محدودی را به ذکر ایام سلطنت شاه-تهماسب اختصاص داده‌اند و نظر به اینکه مطالب اکثر این منابع نثری مصنوع و ناشیوا دارند و عموماً با قلمی غامظ و متکلف به نگارش رویدادها پرداخته‌اند، لذا برای مطالعه تاریخ دهه‌های آخر سده ۱۰ ق بسنده و خواندنی به نظر نمی‌آیند.

اما نوعی تاریخ‌نگاری هم در این دوره مورد توجه قرار گرفته که در دوره‌های قبل کمتر دیده می‌شود، و آن به صورت نقالی و قصه‌گویی است. هدف از نگارش این کتاب‌ها نشان دادن نفوذ سیاسی حکومت، ترویج و تبلیغ فعالیت‌های نظامی و مجاهدت اهل شمشیر برای حفظ حدود و ثغور کشور و دیگر اهداف تبلیغی و سیاسی بوده است که به وسیله نویسندگانی خاص وقایع و حوادث را به اسلوب قصه‌خوانی برای مردم توضیح می‌دادند تا علاقه و محبتشان نسبت به دودمان صفویه متزاید گردد.^۴ و از آن جمله می‌توان «عالم‌آرای شاه‌اسماعیل» به تصحیح و اهتمام علی‌اصغر منتظر صاحب را نام برد. این نسخه که یک حماسه تاریخی از دوران زندگانی پرافتخار مؤسس دولت صفوی است، با انشائی عامیانه و توسط یک فرد عامی و ارادتمند خاندان صفوی تحریر یافته است.^۵ چاپ دیگری از این اثر با نام «عالم‌آرای صفوی» قبلاً توسط یدالله شکری در سال ۱۳۵۰ در تهران به چاپ رسیده است و چاپ عکسی آن

موسوم است به «جهانگشای خاقان» که با مقدمه الله دتامضطر در سال ۱۹۸۸ م در اسلام‌آباد پاکستان توسط انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به چاپ رسیده است.^۶ کتاب دیگر و مشابه‌ای در همین زمینه نیز؛ کتاب «عالم‌آرای شاه‌تھماسب» است که توسط ایرج افشار در سال ۱۳۷۰ توسط انتشارات دنیای کتاب از روی نسخه شماره [۸۹۵۲] مجلس شورای اسلامی تصحیح و به چاپ رسیده است و شامل وقایع تاریخی ایران از آغاز سلطنت شاه‌تھماسب اول در ۹۳۰ تا سال ۹۶۳ ه. ق می‌باشد.^۷

معرفی نسخه موجود

تنها نسخه یافت‌شده از این اثر در ایران، به شماره ۱۳۷۳۹ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. تعداد ۳۹۸ برگ و ۷۹۶ صفحه در ابعاد ۵/۸ × ۵/۱۴ و ۵/۱۴ × ۹ سانتی متر و در هر صفحه ۲۱ سطر و در مجموع ۱۵۹۴۴ سطر می‌باشد. نام اصلی کتاب به دلیل افتادگی از آغاز و پایان آن مشخص نیست و نویسنده نیز در متن به نام کتاب اشاره‌ای نکرده است. اما در سرآغاز فهرستی که توسط حسینعلی باستانی‌راد نوشته شده، عنوان «تاریخ حماسی شاه‌تھماسب اول» دیده می‌شود. که با نگاهی به مضمون مطالب آن به نظر می‌رسد که احتمالاً مطالعه‌کنندگان نسخه به دلیل تکیه متن در شرح جانفشانی‌ها در جنگ‌ها و پیروزی‌های شاه‌تھماسب این نام را انتخاب کرده‌اند. چندان که عنوان این نسخه در کتاب الشریعه الی استدراک الذریعه نیز با همین نام دیده می‌شود: «عالم‌آرای شاه‌تھماسب: تلسید اسماعیل الحسینی التبریزی»^۸

اما به نظر می‌آید مؤلف، عنوان عالم‌آرا، را برای این نسخه انتخاب کرده باشد، چرا که نام خود را در ردیف ناقلان آثار عالم‌آرایی مثل حسن‌بیگ ارملو و اسکندربیک منشی و... آورده است.^۹ و به این ترتیب شاید بهتر باشد نام این کتاب را به دلیل افتادگی از آغاز و پایان، «بخشی از عالم‌آرای شاه‌تھماسب» و یا «عالم‌آرای شاه‌تھماسب» بنامیم. چنان که در فهرست نسخ خطی کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نیز به همین نام آورده شده است.^{۱۰} البته در مورد تاریخ تألیف این کتاب باید گفت: که از فحوای مطالب به نظر می‌رسد در دوره شاه‌عباس دوم نگاشته شده باشد؛ چندان که در جایی از کتاب آمده:

«... اسماعیل الحسینی تبریزی... در زمان پادشاه مرحوم غفران‌پناه علین‌آشیان

شاه‌صفی علیه‌الرحمه از میرزا محمدرضا مشرف...»^{۱۱}

در باره مؤلف و آثار او

نویسنده کتاب، اسماعیل حسینی مرعشی تبریزی مشهور به ملایم‌بیک، متخلص به میردعوی ظاهراً از علمای قرن ۱۱ ه. ق می‌باشد.^{۱۲} یا چنانکه آمده از «اجله الافاضل و المورخین و الكتاب فی دوله السلطان الشاه صفی الصفوی»^{۱۳} اما متأسفانه در هیچ‌کدام از منابع و مراجع موجود، اطلاع دقیق و کاملی از تاریخ تولد و وفات او به دست نمی‌آید، مع‌الوصف، او در همین نسخه خود را این‌گونه معرفی کرده است:

«خواجه امیریگ، زرگر پادشاه با استاد یعقوب زرگرباشی، خواصه شریفه آن تاج را به فرمان شهریار غازی، شاه جنت آرامگاه، سلطان شاه‌عباس ماضی علیه الرحمه جواهرها را درآوردند، حال ما چندین هزار لک دیگر جواهر در خزینه عامره است.» و ایضاً: «فقیر الحقیق اسماعیل الحسینی تبریزی در خدمت، ملایم‌بیک در زمان پادشاه مرحوم غفران‌پناه، علیین‌آشیان، شاه‌صفی - علیه‌الرحمه - از حضرت میرزا محمدرضا مشرف شربت‌خانه معلوم نمودم که آیا به سمع...»^{۱۴}

به این ترتیب مشخص می‌گردد که او در دوران شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم در قید حیات بوده و به کارهای دیوانی اشتغال داشته است. اسم ملایم‌بیک در قضیه قرارداد هلندی‌ها و شاه‌عباس اول (۹۹۸-۱۰۳۷) به سال ۱۰۳۳ (۱۶۲۴ م) دیده می‌شود. زیرا هلندی‌ها با اینکه می‌توانستند در هر نقطه ایران به خرید و فروش کالا بپردازند؛ اما ترجیح دادند با ملایم‌بیک تاجر مخصوص شاه یا اصطلاحاً ملک‌التجار معامله کنند.^{۱۵} البته ملایم‌بیک علاوه بر داشتن منصب ملک‌التجاری، سمت امین‌الضرب نیز داشته و به نمایندگی از طرف پادشاه صفوی با ویس‌نیخ سفیر هلند در ایران در امر تجارت و فروش ابریشم مذاکره و معامله انجام می‌داده است.^{۱۶} در واقع، از آنجا که معمولاً صاحب چنین منصبی از میان ثروتمندترین و ذی‌نفوذترین تجار انتخاب می‌شده است؛ لذا به نظر می‌رسد که ملایم‌بیک ملک‌التجار در امور اقتصادی و تجاری برای شاه به نوعی وظیفه مشاور را ایفا می‌کرده است.^{۱۷} هر چند وی با تواضع بسیار خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

«... اقل عبدالله فقیر حقیر کثیرالتقصیر اسمعیل الحسینی تبریزی المرعشی مشهور بمیر

ملایم‌بیک و تخلص میر دعوی...»^{۱۸}

از آنجا که مؤلف ملک‌التجار بوده و اختلافات فی‌مابین بازرگانان را فیصله می‌داده^{۱۹}، در واقع به عنوان یک قاضی امور تجاری انجام وظیفه می‌کرده است؛ شاید به این دلیل به میر دعوی متخلص شده باشد. چنان که وی نماینده دولت هلند به نام ویسنیخ را درباره عدم تحویل پول نقد در قبال خرید ابریشم ایران به محکمه احضار کرد.^{۲۰} و تا سال ۱۰۴۲ در همین مقام خدمت می‌کرده است:

«ماجرای تقرب میرزا معصوم مستوفی بقایا و ناظر دفترخانه همایون با اغورلویگ غلام خاصه شریفه که صبیبه او در سلک خدمه حرم علیه عالیه منسلک بود رابطه آشنایی درست داشته به وسیله او معروض داشت که آقا شمس اصفهانی حساب نویس مجبعلی بیگ لکه و آقاصالح اصفهانی نویسنده محاسبه ملایم‌بیگ و ملک‌التجار و ضرابی باشی در محاسبات ایشان خیانت‌ها نموده‌اند و استدعا نمود که تنقیح محاسبات ایشان به عهده او شود.... و در آن نسخه سیصد هزار تومان باقی ملایم بیگ و دویست هزار تومان باقی لکه‌بیگ سوای وجهی که آقا شمس و آقاصالح مشخص کرده بودند تشخیص یافته بود که حساب‌نویسان غفلت و خیانت نموده‌اند.^{۲۱}» مساله‌ای که باعث بی‌اعتباری طالب‌خان اعتمادالدوله و اعتماد میرزا معصوم شد.

بار دیگری که نام مؤلف ذکر شده آنجا است که در دوره شاه‌عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) و در ذیل وقایع سال ۱۰۶۰ شاه مالیاتی را می‌بخشد که وجه سیصد هزار تومان از بقایای تحویل‌داری لله‌بیک و ملایم‌بیک بوده است. مبلغی که آنان باید از مردم مطالبه می‌کردند.^{۲۲} به این ترتیب، مشخص می‌گردد که ملایم‌بیک بیست و هفت سال به کارهای دیوانی مشغول بوده و به اسناد و افراد آگاه به اوضاع دربار دسترسی داشته است.

اهمیت و ارجحیت کتاب

نسخه مورد پژوهش از چند لحاظ دارای اهمیت است:

الف- سبک نگارش: از آنجا که غالب تألیفات تاریخی دوره صفویه مصنوع و متکلف بوده و گاه درک درست و روشنی از رخدادها و تحولات مهم این عصر را به دست نمی‌دهند؛ اکثراً لفظ، فدای معنی شده است. حال آن که نویسنده‌ی این اثر با نثری ساده و روان که گاه مطالب را تا حد داستان و حکایت پیش می‌برد، اثری تدوین نموده است که سبب رغبت بیشتر و فهم

آسانتر در مطالعه تاریخ می‌شود. امری که مؤلف خود نیز بدان اشاره دارد: «... الفاظ معلق را به لفظ فصیح واضح تصحیح نموده، آن چنان که عام فهم بوده باشد...»^{۲۳} باین همه، چون به روش داستان و قصه‌گویی حکایت آغاز کرده، برای جذاب و شیرین شدن مطلب دخل و تصرفاتی نیز داشته است.

ب- مقایسه با نسخه‌های متقدم: اگرچه پیشتر از این، نسخه‌ای اولیه ولی نابسند از عالم‌آرای شاه تهماسب توسط استاد فرزانه ایرج افشار تصحیح و به چاپ رسیده است، اما به دلایلی تصحیح نسخه حاضر حائز اهمیت بیشتری است. نخست بدان جهت که در این نسخه، منابع مورد استفاده و نام مؤلف آنها ذکر شده است. دیگر این که به وقایع سالهای ۹۶۰ تا ۹۸۰ اشاره شده است. مطالبی که در نسخه‌ی مورد استفاده افشار موجود نیست. سه دیگر آنکه نسخه حاضر به نسبت نسخه مورد استناد در تصحیح پیشین، مطول‌تر و مبسوط‌تر است. در حقیقت، نسخه مورد استفاده ایرج افشار شامل ۱۸۶ ورق یا به عبارتی ۳۷۲ صفحه می‌باشد که هر صفحه ۲۴ سطر دارد، اما این نسخه دربردارنده تعداد ۳۹۸ برگ و ۷۹۶ صفحه است و در هر صفحه ۲۱ سطر و در مجموع ۱۵۹۴۴ سطر وجود دارد، که قریب به دو برابر نسخه پیشین آن است. بنابراین نسخه حاضر می‌تواند از داده‌ها و جزئیات بیشتری برخوردار باشد.

ج- توجه به مسائل اجتماعی و افکار مردم: نسخه خطی موردنظر به سبک و سیاق تاریخ‌نگاری عامیانه درباره‌ی رویدادهای سیاسی و مسائل اجتماعی، بحث می‌کند و با نگاهی متفاوت از سیاق تواریخ دودمانی و تألیفات رسمی این عهد، بسیار گسترده‌تر درباره‌ی زندگی افشار اجتماعی و نیز تفکرات، باورها، آداب و حتی سوگندها و وردهای این دوره سخن رانده است. چرا که ملایم‌بیگ به دلیل مشغولیت‌های اقتصادی خود و ضرورت تماس با دیگر افشار و مسئولیت نظارت بر بیوتات^{۲۴} و مأموریت خرید ابریشم^{۲۵} و سرپرست کارگاه‌های بافندگی، صباغی و شمشیر و چاقوسازی و ابریشم‌دوزی^{۲۶} به احوال مردم و شرایط اقتصادی آن دوره آگاه بوده است.

د- آشنایی با اوضاع کشورهای همسایه در آن دوره: نویسنده در این اثر به طرح مسائلی از تاریخ و اوضاع کشورها و ملت‌های همجوار مانند عثمانی، ازبکان، گرجی‌ها، گورکانیان و مناسبات فی‌مابین این مناطق با صفویان پرداخته است.

ز- بیان نام سرداران، خوشنویسان، نقاشان، پهلوانان و دیگر نامداران عصر صفوی را می-توان از دیگر محاسن این کتاب دانست؛ امری که به تحقیق در اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران آن روزگار یاری می‌رساند.

ه- استفاده از اصطلاحات و لغات عامیانه، از دیگر مزیت‌های کتاب می‌تواند قلمداد گردد.

دیدگاه و جهان‌بینی مؤلف

چنین به نظر می‌رسد که ملایم‌بیک از زمره‌ی سادات شیعی متعصبی بوده است؛ که با اعتقادی راسخ به حقانیت مذهب تشیع اثنی‌عشریه، نسبت به دیگر فرق دینی ابراز تفرق و دشمنی می‌نموده است. از جمله افرادی را که از سپاه صفویه به اردوی دشمنان شاه‌تهماسب می‌پیوستند، سنی خطاب کرده است. هم چنان که نسبت به ازبکان که دشمنان مهاجم و سنی صفویه بودند، کینه و خصومت فراوان داشته است.

به علاوه، او ضمن ابراز احترام فوق‌العاده برای ائمه شیعه، سلاطین صفوی را نیز از نسل امام هفتم (ع) پنداشته و برای این تکریم خویش چنین دلیل می‌آورد:

«... قاسم خلیفه دانست که آن جماعت به صلح راضی نخواهند شد الا به کشتن دیو سلطان پس نشست و باره از توحید پروردگار عالمیان بیان نموده بعد از آن از نعمت پیغمبران خصوصاً پیغمبر آخرالزمان و دیگر منقبت شاه مردان خوانده و مقالات شیخ‌صفی باز گفت و از هر پستی که نوری جدا شده بود نسبت به امام معصوم امام موسی‌کاظم ولد به ولد رسیده و به چه کمال رسیده شده‌اند و می‌خواست که نور را مجسم کند فرمود که مرتبه توحید فرد است و از فردیت به مجردیت می‌رسد و چون به تجرید رسید علم احدیت بلند گردانید و آن در مقام فردیت است که هیچ علاقه ندارد و چون از وحدت قدم به کثرت‌نهادن را بپایی که باب حروفات بیست‌وهشت‌گانه است واز آن‌جا چون قدم بیشتر نهاد مقام عشره است که عقول عشره باشد و چون از عقول عشره خبردار گردیم مراتب او ده ده افزوده گردید به حضرت ملک عالم اعلام یافت که آخرین منزل قاف قناعت است و چون به قناعت رسانید مراتب او صد صد افزود و چون اصل صورت بود که در تحقیق حقیقت آن گفته شده اما در معنی یک کتاب بزرگ تمام کرده است پس رسانید مرشد کامل را به مراتبی که فوق آن متصور

نیست و مقام ارشاد را به اشارات نمود به آن قانون که از مرشد خود و معلم خود شنیده بود بیان کرد اما اگر جاهلان خودسر را از شاه اسرار و منبع ابرار بخشی می‌بود می‌بایست دست و پای او را بوسیده بر چشم مالیده اطاعت نمایند...»^{۲۷}

همچنین در صفحه ۶۸ کتاب، ماجرائی را در رابطه با توسل شاه تهماسب به ائمه اطهار در خواب و گرفتن عریضه از آنها برای جهاد با دشمنان بیان می‌دارد که نشان از اعتقاد قلبی وی به چنین مسائلی است. ملایم‌بیک در نوشتار خویش به اعتقاد عامه مردم و بزرگان درباره الوهیت شاه اسماعیل و شاه تهماسب اشاره می‌کند و در قضیه‌ی حمله‌ی یاری‌میرزا به هرات و کشته‌شدن بسیاری از مردم می‌نویسد:

«...جمعی مردم می‌گفتند که قربان گور شاه اسماعیل بهادرخان شویم که در زمان او هرگز این آزار و ریاضت نکشیدیم و ازبکان شرر زمان او این جرأت نمی‌کردند و بعضی دیگر فریاد می‌کردند و می‌گفتند قربان سنگ مزارت شویم سر از قبر بیرون کن و ببین که ما در چه بحر خونین غرقه طوفان بلائیم و کشتی امید ما شکست و مستغرق دریای هلاک گشته‌ایم این همان ازبکانند که از بیم شمشیر آبدار تو در دشت قبیحاق خطا از خواب می‌چشند و همه زهره شکاف می‌شدند. امروز مرید و صوفیان تو در دست این بددینان عاجز و مضطرب و حیران مانده‌اند و چون در اندرون حرم دختر سلطان حیدرآن صدای مغره و شیون شنید و دید که هیچ‌گونه نام خدا و رسول و ائمه معصومین به زبان جاری نمی‌سازند خواجه‌سرایان را به نزد خود طلبیده فرمود که برو بگو به چاره‌ساز بیچارگان است استغاثه کنید و عجز و زاری به درگاه حضرت باری نمایید که شاید باب چشم طفلان معصوم ببخشاید و ما را و شما را از این گرداب غم و محنت و الم بیرون آورد و از سوز سینه بیرون محروم تا درگاه احدیت و حضرت صمیمت گشادی بر این در بسته بدهد چون مردمان این سخن شنیدند گفتند: بیگم راست می‌گوید پس به مناجات درآمدند.»^{۲۸}

منابع مورد استفاده نویسنده

چنین به نظر می‌آید که ملایم‌بیک با وجود مشغولیت‌های مالی و سیاسی خود، فرصت تالیف و تتبع نیز داشته است. چنان‌که کتابی دیگر از او در کتابخانه ملک به شماره ۴۰۷۵ با عنوان تاریخ صفویه موجود می‌باشد.^{۲۹} البته در کتاب احقاق‌الحق و ازهاق‌الباطل از سید نورالله حسینی مرعشی شوشتری آمده است:

«...و منهم السيد مير اسماعيل المرعشي المشتهر بمير ملايم‌بیک،... له كتاب سماه عالم‌آراء في التاريخ بالفارسيه واحدى مجلداته موجوده في مكتبه الحاج حسين آقا ملك بطهران، و قد شرع في تلك المجلده من ظهور ملوک آق قوينلو الى زمن السلطان الشاه اسماعيل الصفوی كما كتبه الينا الفاضل الاديب المعاصر (السهيلي مدير المكتبه)^{۳۰}»

که این گفته دال بر آن است که ملایم‌بیک کتاب دیگری نیز داشته است؛ که در آن وقایع پیش از دوره شاه‌تھماسپ را گنجانیده بوده و یا بخش نخست عالم‌آرای مذکور مفقود شده است.

به لحاظ شیوه ارجاع باید گفت، مؤلف برای نگارش مطالب خود هر از گاهی چند از جمله «راوی می‌گوید» استفاده کرده است و در آگاهی نسبت به منابع کتابش، خواننده را به «مورخ تاریخ» و «عالم آرا» (بدون اشاره به نام نویسنده) ارجاع می‌دهد. ولی در بعضی جاها عالم‌آرای عباسی را مشخصاً نام می‌برد. و شاید بتوان گفت اساس کارش عالم‌آرای عباسی است؛ همانند اینجا که می‌نویسد:

«...اما مؤلف این تاریخ عالم‌آرای عباسی و اسکندریک منشی فرمود...^{۳۱}» و همچنین «اسکندریک منشی که کاتب این حروف است نوشته است که چون...^{۳۲}»

علاوه بر مواردی که نویسنده در نسخه اساس تصریح کرده؛ در نسخه‌ی خطی تاریخ صفویه مضبوط به کتابخانه ملک او منابع مورد استفاده‌اش را این‌گونه معرفی می‌کند.

«...راویان تاریخ عالم‌آرای مثل حسن‌بیک ارملو و اسکندریک منشی و میرخواند که حبیب‌السیر مجمل فرموده‌اند. اما مؤلف این تاریخ عالم‌آرا... در نسخه‌ای صحیح معتبر مثل احسن‌التواریخ و تاریخ عالم‌آرا و مطلع‌السعدی و حبیب‌السیر و غیرذلک به

نظر رسید آنچه اصح بود درین صحیفه ثبت افتاد و نسخه شیخ ابوالفضل با کتاب تاریخ میریحیی سیفی قزوینی که در تصحیح او اکثر اهل تواریخ قبول دارند.^{۳۳}»

و همچنین نام می‌برد از «میرخوند مصنف تاریخ روضه‌الصفاء و خواننده میر مصنف حبیب السیر و هاتفی مصنف تاریخ ظفرنامه...»^{۳۴} که از مضمون این مطالب شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که ملایم‌بیک برای نگارش این اثر منابع بسیاری در دست گرفته و از آنها بهره برده است و حتی قصد داشته چندین گزارش از کتابش ارائه دهد، اما از سوی دیگر وی از همه‌ی این منابع به عنوان راویان تاریخ عالم‌آرای نام برده است و علت استفاده از منابع مذکور را معتبر و صحیح بودن آنها از جهت نگارش مطالب و مقبول بودن این افراد از دیدگاه مورخان دانسته است. به همین دلیل در نسخه حاضر از اصطلاحات «مورخ تاریخ» و «عالم آرا» یاد می‌کند که منظور همان منابعی است که در آن نسخه استفاده کرده و هدفش نیز رعایت امانتداری بوده است.

فلذا نگارنده عالم‌آرای شاه‌تهماسب در باره روش نگارش خویش چنین می‌نویسد:

«مؤلف تاریخ مذکور... از تحیات صحیحه مزبور فوق به نظر رسید از هر خرمی خوشه و از گوشه گوشه [ای] برداشته آن نسخه صحیح را بعون حضرت باری که یاری نموده»^{۳۵}

نیز باید یادآور شد که این نویسنده به دلیل تخصص شغلی خویش و دقت در زمینه مسائل مالی، در مواردی چند از تأمل و انتقاد نسبت به مسائل و رخدادها نیز غفلت نداشته است. چندان‌که در موضوع قیمت تاجی که شاه‌تهماسب به اسماعیل میرزا بخشیده بود، نوشته است: «...از خواجه امیربیگ، زرگر پادشاه با استاد یعقوب زرگرباشی، خواصه شریفه آن تاجرا به فرمان شهریار غازی، شاه جنت آرامگاه، سلطان شاه‌عباس ماضی - علیه الرحمه - جواهرها را درآوردند، حال ما چندین هزار لک دیگر جواهر در خزینه عامره است. فقیر... از حضرت میرزا محمدرضا مشرف شربت خانه معلوم نمودم که آیا به سمع. شما رسیده باشد، چون با اشراف سرکار خاصه شریفه مربوط که در خزینه سر کار خاصه تخمینها چه مقدار بوده باشد؟ حضرت میرزا فرمودند که ای سید کرامات کردی از این پرسیدن... که تا من مشرف خزینه جواهر شده‌ام این چند سال آن چه

حضرت شاهی ظل‌اللهی شاه‌صفی بهادرخان جواهر ابتیاع نموده‌اند از هفصد هزار تومان تجاوز است...»^{۳۶}

از این رو لاقلاً می‌توان برای اطلاعات و مطالبی که ملایم‌بیک در ارتباط با امور اقتصادی و تجاری نگاشته است، اعتبار بیشتری قائل شد.

مندرجات نسخه خطی

همان‌طور که از عنوان این نسخه خطی برمی‌آید، مطالب و محتویات کتاب مربوط به وقایع دوران شاه‌تهماسب اول است؛ اما به دلیل افتادگی از آغاز و نداشتن عنوان در فصول با این مطلب آغاز می‌شود:

«...راهی رسانید و آخر علاج‌پذیر نخواهد بودن بلی اگر غیرتی و حمیتی داری با نود کس اوزبیک که آمده در برابر درآی تا له ام با سه هزار جوان فزلباش برج و باره برآمده و چنان که یک مرتبه یرش انداختی دیگر باره یرش بیانداز تا او نیز با جوان خود با تو و سپاهت جنک کند...»^{۳۷}

سپس رشته‌ی کلام با حمله عبیدالله‌خان ازبیک به هرات در سال ۹۳۰ ادامه می‌یابد، بی‌آنکه به زمان و سال وقایع اشارتی کرده باشد. تنها در چند مورد مثل جواب عریضه‌ی سلطان محمد خدابنده و محمدخان لکه شاهزاده معظم در باب آمدن همایون به نزد شاه‌تهماسب و جواب نامه شاه در مورخه‌ی ۱۲ ذی‌الحجه سنه ۹۵۲ و یا تاریخ پناهنده‌شدن همایون در غره جمادی-الثانی ۹۵۲ در قسمت‌های پایانی کتاب -صفحات ۵۹۴ و ۵۹۲- تاریخ وقایع ذکر شده است. آخرین مطالب نسخه مذکور در خصوص لشگر فرستادن شاه‌تهماسب به اتفاق سلطان مصطفی‌میرزا به جانب گیلان بر سر خان احمدخان گیلانی می‌باشد که ملایم‌بیک آن را از وقایع سال پنجاه و یکم جلوس شاه برشمرده است. نیز حکایت کرده است از وقایع متنوعی از قبیل درآمدن ستاره از سمت شمال مثل آتش درخشان به شکل شمشیر در «سال ثمانین و تسعمایه»^{۳۸} (۹۸۰ه. ق) و خون ریزش ملا شاه‌منصور در تبریز به سال «خمس و ستین و تسعمایه»^{۳۹} و سرانجام آخرین جملات کتاب که به این نحو خاتمه می‌یابد:

«...چون شنیدند یوسف‌بیک افشار به الغار به داروغگی ان جماعت می‌آید پراکنده شدند یوسف بیک...»^{۴۰}

ویژگی‌های نسخه‌شناسی متن

درباره مشخصه‌های ظاهری نسخه خطی فوق‌الذکر چنین می‌توان گفت که:

- کتاب به قطع رحلی با جلد قدیمی با شیرازه نبوی جدید تیماج، یشمی، مجدول است. کل متن با خط نسخ عالی و خوانا با مرکب مشکی با فاصله خوبی میان خطوط کتابت شده است و اغلاط اندکی دارد. با این همه، در جاهائی کاغذ کتاب آب خورده و لکه‌هایی شبیه لکه روغن در آن دیده می‌شود؛ نیز مالیدگی و پاک‌شدن مرکب در اکثر صفحات دیده می‌شود. به نحوی که تقریباً تمام برگها به دلیل آسیب دیدگی‌های فراوان و افتادگی از ابتدا تا انتها در نسخه مرمت گردیده و در برخی موارد نیز به مطالب متن زیان رسانیده است. نسخه با همان خط متن دارای راده یا رکابه است که در مرمت بعضی صفحات از بین رفته است.

علامت‌گذاری خاصی در خصوص فواصل و فصل‌بندی دیده نمی‌شود؛ غیر از به‌جاگذاری یکی دو سطر در مواردی مثل صفحات: ۱۸ و ۲۲ و ۲۷ و که کاتب قصد داشته پس از خاتمه تیتیر آن را با خط شنگرف بنویسد که موفق نشده است. فقط در صفحه‌ی ۳۴۵، عنوان «رخست‌گرفتن عبدالله‌خان از شاه جم‌جاه و رفتن او به جانب شیروان از عقب القاس میرزا بیادگار بخط حقیر سر تا پا تقصیر آقا میرجلال هندی» با جوهر مشکی و خطی دیگر نوشته شده است که به نظر می‌رسد حاشیه‌نویس بعدها آن را اضافه کرده است. عناوین دیگری هم با رنگ شنگرف از صفحه ۴۱۵ تا پایان نسخه با همان خط دیده می‌شود. مع هذا، متأسفانه زمان و مکان کتابت در هیچ کدام از صفحات قید نشده است.

فهرست کتاب توسط باستانی‌راد با خطی غیر از متن در صفحه آستربردقه مندرج و بعدها به نسخه اضافه شده است. نسخه دارای سه سری صفحه‌شمار است که بعدها به نسخه اضافه شده (دو سری از ابتدا تا انتها و یک سری برعکس) و هرکدام به یک رنگ شنگرف و بنفش و مداد می‌باشد.

در نسخه صفحاتی در نظر گرفته شده که بنا بوده در آن نقش‌هایی را بنگارند که فقط در صفحه ۵۶۸ نقاشی آن موجود است. تعداد آنها ۴۶ صفحه که صفحات ذیل خالی است: ۲ و ۱۵ و ۳۰ و ۶۸ و ۷۰ و ۸۴ و ۹۴ و ۹۸ و ۱۴۴ و ۱۵۲ و ۱۹۳ و ۱۹۷ و ۲۰۷ و ۲۳۴ و ۲۴۵ و ۲۸۷ و ۲۹۸ و ۳۶۲ و ۳۸۲ و ۳۹۱ و ۴۰۳ و ۴۱۰ و ۴۲۳ و ۴۲۹ و ۴۳۴ و ۴۴۵ و ۵۰۱ و ۵۰۷ و

۵۱۸ و ۵۲۴ و ۵۳۶ و ۵۸۴ و ۶۲۳ و ۶۴۸ و ۶۵۸ و ۶۷۰ و ۶۸۰ و ۶۸۲ و ۶۹۲ و ۷۱۷ و ۷۱۹ و ۷۵۱ و ۷۵۹ و ۷۶۵ و ۷۹۲

نسخه مهمور به مهرهای زیر است:

۱- مهر تملک کتابخانه مجلس به محتوای (مجلس شورای ملی، کتابخانه) صفحات ۱ و ۱۰۱ و ۷۹۶

۲- مهر کوچک با مرکب مشکلی: «الراجی علیمردان» صفحه: ۱۰۱

۳- مهر «نصرالله خلیج» ص ۱۰۱ که مشخص نیست متعلق به کاتب یا مالک است.

از دیگر مشخصه های این نسخه خطی از عالم‌آرای شاه‌تھماسب، آن است که گاهی با خط قرمز زیر عبارات و جملات علامت‌گذاری شده است، یک بار به رنگ شنگرف و یک بار جدیدتر با جوهر به رنگ گلی و این امر باعث پخش‌شدگی در الیاف کاغذ شده است. مثلاً در صفحات: ۱ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۷ و ۳۵ و ۴۱ و ۴۷ و ۵۷ و ۶۵ و ۷۳ و ۷۷ و... البته شایان ذکر است که در برخی صفحات به رنگ مرکب مشکلی و شنگرف و با جوهر قرمز حاشیه‌نویسی - هائی چند نوشته شده است که نویسنده‌ی آنها مشخص نیست و فقط در صفحه ۴۳۰ نام باستانی‌راد دیده می‌شود. بر همین اساس، توضیحاتی در حاشیه درباره مباحثی از کتاب دیده می‌شود. مثل مطلب نام مادیان‌های شاه‌تھماسب و توضیحات حاشیه ص ۸۱ و ص ۱۱۷ در مورد ویژگی‌های سیستانی‌ها و... همچنین می‌توان به اشعاری اشاره کرد که در حاشیه نسخه نوشته شده‌اند؛ مثل مورد ص ۱۳۷، بیار باده که بنیاد غم نخواهد ماند... و نیز مطالب بی‌ربط و با خط نامناسب در جای خالی برخی صفحات و گاه حواشی متن، مثل ص ۱۸۴، و.. که هم می‌تواند نکته ایراد بر نسخه محسوب شود و هم از جهاتی جنبه قابل تأمل و مطالعه در کتاب.

با وجود ترمیم متن توسط دیگران و حتی اضافه‌کردن عباراتی که در اثر آسیب یا مرمت از میان رفته، باز هم جاافتادگی نقاط در برخی کلمات دیده می‌شود. مثل کلمه نگذاشت در سطر هفدهم از صفحه ۳۲ و... و یا جاافتادگی کلماتی که بعضاً با خط نازک‌تر و احتمالاً بعدها در دل متن گنجانده شده است؛ مثل صص ۵۳۶ و ۷ و...

رسم الخط کتاب

از مهمترین نکات دستوری در نسخه خطی مورد نظر ما می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف- در صیغه‌های استمراری افعال علامت استمرار «می» در اکثر موارد به فعل متصل است، مثل می‌کردند و می‌بیند و...

ب- «است» یا «اند» به کلمات مختومه به لازمه الانفصال از ما بعد متصل می‌باشد مثل بیرونست و...

پ- «با» نشانه اضافه بدون «های» غیر ملفوظ آمده (بسپاه به جای به سپاه) ولی در مورد فعلها امر «ب» نشانه التزام معمولاً جدا نوشته شده مانند به بین به جای ببین.

ت- علامت «مد» که امروزه روی الف مسبوق به حمزه متداول است در بیشتر موارد حذف شده است. و در مواردی نیز بعداً گذاشته شده است. نوشتن تشدید در مواردی و الف مقصوره در اکثر موارد و ضمه و ساکن نیز در برخی موارد دیده می‌شود.

ث- کلمات جمع با حرف «ها» در هم ادغام شده مثل «حربهای دورانداز» به جای «حربه‌های دورانداز» و....

ج- حمزه‌ی اوایل ضمائر در کلماتی مانند: «برین» (براین) حذف گردیده است.

چ- «یای» تنکیر یا نسبت، بعد از «های» مخفیه ظاهر نیست؛ مثل طایفه به جای طایفه‌ای

ح- در بیشتر موارد حرف «گ» به صورت «ک» و «چ» نیز به صورت «ج» نوشته شده است.

خ- در همه موارد «خوا» به یک شکل نوشته شده است، مثل «خواستن» و «برخواست»

د- از علامتی شبیه ۵ در آخر سطرها برای زیبایی در نظم خطوط استفاده شده است؛ مانند ص ۳۵۸ سطر ۳ و ص ۳۵۹ سطرهای ۱ و ۶.

ر- تقریباً در تمام نسخه کلماتی که با «بی» شروع شده، به صورت «پی» نوشته شده است مثل: پی اندامیها و پی دینان و پی امر و...

ویژگی‌های محتوایی متن

در اینجا و به صورت اجمال به نکاتی چند در مورد خصوصیات محتوایی نسخه خطی عالم‌آرای شاه تهماسب اشارتی خواهیم داشت و:

تأثیرپذیری از بعضی متون تاریخی و ادبی: همان طور که قبلاً اشاره شد نویسنده بارها در متن از مورخ تاریخ و کتاب عالم‌آرا نام می‌برد. ضمناً از متون ادبی و برخی اشعار حافظ ص ۶۶۲، و ابیات صابر ص ۶۰۶، و مولانا قاسم گنابادی استفاده کرده است.

موضوعات داستانه‌های ارائه‌شده: غوغای نوربخشیه و داستان آنها در تهران و توجه شاه‌تهماسب به آنجا و کارهای سید و عاقبت کار او که در ۳۰۹، و واقعه لوطیان و یتیمان تبریز ص ۷۹۳، موضوع فرستادن دست بریده شیبک‌خان ازبک برای آقارستم روزافزون در مازندران که در عهد شاه‌اسماعیل اول واقع شده است. که در متون دیگر هم آمده ص ۶۳۶، قصه افسانه‌ای چاه باد دامغان که در عجائب‌البلاد هم آمده ص ۶۱۶.

نام بسیاری مکانها (شهرها، محله‌ها، بازارها، قبرستان و...): مثل جرفادقان و محلات و تیمور ص ۷۷، برج اولیا که درحوالی کربلا و نجف ص ۳۰۵، محله ورجو در تبریز ص ۷۹۴، شهر هرات ولیعهدنشین صفویه بوده است. ص ۳۰۷، اورگنج و خاور ص ۷۲۵.

اسامی بزرگان و سرداران و گهگاه نوع نسبت آنها با پادشاه: از نکات بسیار جالب نام‌های بزرگان قبایل با توجه به اهمیت، آنها را به ترتیب می‌نویسد نمونه در ص ۱۲ و ۱۳ که از بزرگان قبایل قزلباش نوشته است. و یا امیرمظفر پادشاه رشت، خواهرزاده شاه‌اسماعیل ص ۱۳، اسامی امرا و سرداران و بزرگان و کلانتران و علما و سادات که در چمن سلطانیه جمع شده بودند. ص ۶۲۶ تا ۶۵۱، نام اکثر عاما و فضلا و فقهای اثنی‌عشری ص ۶۵۷.

وضع لباس پوشیدن طبقات مختلف و اختصاص هر نوع به طبقه خاص: مثلاً در ص ۲۶، لندره و سقرلات و جرخسی جنس تاج قزلباشان. ص ۷۲۹، تاجی که شاه‌اسماعیل اول برای خود ساخته و آن را بدون ساروق بر سر می‌گذاشت و شرح جواهراتی که در آن به کار رفته است و آن را یکه‌تاج می‌داند ص ۴۲۴.

زنان و پوشش آنها و خانواده: در مورد انداختن روپاک و اندازه آن در ص ۲۷، دولی، سکاس، پالکی، جوددل زرین هر چهار نام وسایل سواری و قرینه عبارت هم موید است که بانوان سوار می‌شدند. ص ۶۷۷، زن صوفیان خلیفه ارملو، ترکمان خاتون دختر، نور علی خلیفه که حاکم شده ص ۶۰۹ تا ۶۱۱، رفتن مادران به کمک فرزندان در جنگ و یراق مردانه پوشیدن ص ۴۳۳، برخورد فرمانروایان در جنگها با زنان و حفاظت از ناموس و زنان و اعتقادات آنها در برخورد با این مشکل ص ۵۱، استفاده از کلمه خواتین برای زنان اشراف و کوچ برای عامه ص ۵۲، فردوزی شغل زنان طبقات پایین و به گرو گذاشتن فرزند ص ۵۴، بالاترین سوگند، قسم زن طلاق ص ۵۶.

صوفیان و رسوم و اعتقادات آنها: غذاخوردن صوفیان خلیفه و رسوم پایان سفره و الله الله کشیدن صوفیان ص ۲۶۴.

نحوه برخورد با قلندران و مایملک خود: آمدن قلندران نزد شاه تهماسب و سجده کردن و او را صاحب‌الامر دانستن و قبول نکردن شاه و امر به توبه کردن و نپذیرفتن قلندران و کشته شدن آنها به فرمان شاه. ص ۷۹۴.

استفاده از ضرب‌المثله: امثال و اصطلاحات زیادی در لابلائی این متن به چشم می‌خورد که برخی از آنها به این قرار است: «صید را چون اجل آید سوی صیاد رود» ص ۷۲۹؛ «از نخل امید باغ عشرت باید چید» ص ۷۶۰؛ «کوکب اقبال تو از صف هبوط بیرون آمده باشد» ص ۵۴؛ «چه آش در کاسه است» ۳۴۶؛ «آمدن با ارادت بود و رفتن با اجازت» ص ۴۱۲؛ «شاه اگر لطف بی‌عدد راند/ بنده باید که حد خود داند» ص ۴۱۰.

نحوه احترام به پادشاه و آنچه که متعلق به اوست: نحوه استقبال از علم حضرت همایونی به اندازه هفتاد قدم ص ۶۱۲، مخاطب قراردادن تاج را به عنوان نماینده پادشاه ص ۴۳۰.

مناصب حکومتی: در این متن به مناصب حکومتی و متصدیان آن نیز اشاره شده است از جمله: میرمحمد ساوجی وزیر تهماسب و اعتمادالدوله ص ۲۶؛ خواجه حبیب‌الله وزیر سلطان محمدحسین که وزیر سام میرزا در هرات ص ۴۴؛ یار احمد نائب خلیفه‌ای از جانب خلیفه-الخلفا ص ۴۶؛ قلیچ قورچی سی یعنی مأمور مخصوص شمشیر ص ۱۹۱؛ قدغنجیان قشون ۵۷. آداب و رسوم مردم و حاکمان: طریقه مهمانداری و مهمان‌نوازی پادشاهان و حاکمان و نوع غذاها و سرگرمی‌ها و ظروف پذیرایی ص ۴۴ و ۴۵، زرچک سوختن در مجلس جشن ص ۴۲۶، عطایای شاه مخصوصا در مورد اسب همه جا ۹ عدد می‌باشد. این عدد به منزله کامل بودن یا دست وجین ص ۴۰۲ و ۴۰۹ و ۴۱۴، فلوینا شاید ادویه‌ای که در جشن‌ها با جواهر می‌کوبیدند و بسیار باارزش بوده ص ۶۰۸، استفاده از کاسه‌های چینی نیک و بوزه و اقصام سازنده‌ها و خوانندگان و زنان رقصان در جشن‌ها ص ۴۵، چهل‌روز عزاداری برای مرده و آب و آش دادن ص ۷۴، خودکشی را عصیان در برابر پروردگار می‌دانستند ص ۷۴.

و سرانجام یکی از ویژگی‌های مهم و ارزنده‌ی کتاب مزبور را باید وجود اصطلاحات و لغات خاصی دانست که نسخه‌ی مورد نظر را به گنجینه‌ای سزاوار توجه برای مطالعه‌ی ادبیات عامیانه و متداول عصر صفویه تبدیل کرده است؛ اصطلاحاتی چونان: جنقی زدن یا در بعضی

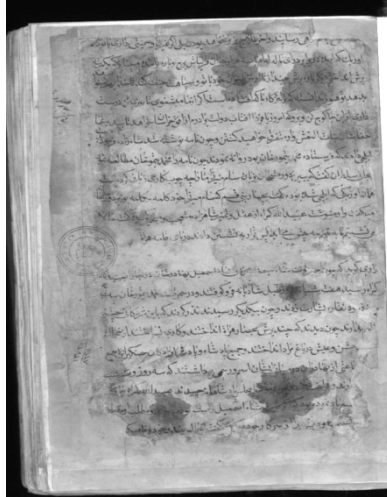
جاها جانقی‌زدن به معنی مشورت کردن ص ۱۸ و ۲، سر خود را بر دیوار می‌زنند کنایه از کار بیهوده‌کردن ص ۱۹، سر او را به ترتیب از گنبد دوار گذرانید کنایه از عزت و احترام زیاد ص ۲۶، زیر طناب امان (رسم امان‌دادن) ص ۳۴ و ۳۷، قزاقانه (شجاعانه)، ص ۳۶، الشه ص ۳۶، بکده ص ۴۴، خبث‌کردن ۳۵۳، پرنیان‌کردن به معنی دونیم‌کردن ۴۳۲ و ۳۶۱ و ۳۸۵، بوته یا بوته عتاب درآوردن ۳۶۹ و ۳۷۰، روز خون در برابر شیخون ۳۷۳، زبانی گرفتن ص ۷۱۸، سورنگ‌کشیدن ص ۳۰، ساوری ۴۷۵ و ۶۰۸، کیدی به معنی ناپاک و در مقابل دشنام، ۱۹ و ۳۶، اختر میه ۲۱۶ و ۳۹۸.

نتیجه

نسخه‌ی خطی عالم‌آرای شاه‌تھماسب نوشته اسماعیل حسینی مرعشی‌تبریزی میرملایم‌بیک یکی از معدود منابعی است که به طور اختصاصی به شرح وقایع دوران سلطنت شاه‌تھماسب اول و طی سالهای ۹۳۰ تا ۹۸۱ پرداخته است و از این جهت که نویسنده‌ی آن، اثر خود را به روایتی داستانی و همراه با گزارش‌های مستند تاریخی ارائه نموده است؛ از اهمیت درخور اعتنائی برخوردار می‌باشد. مسئولیت مولف به عنوان متصدی امور مالی و بازرگانی یعنی ملک‌التجار و امین‌الضرب، آن هم در دورانی نسبتاً طولانی و دیرپا، از روزگار زمامداری شاه عباس اول تا اواخر پادشاهی شاه عباس دوم، باعث گردیده است تا نویسنده در ارتباط مستقیم با دربار و نیز توده‌ی مردم، نسبت به شرایط سیاسی و اجتماعی روزگار خویش، وقوف یافته و تلاش نماید تا بخشی از حقایق پنهان جامعه‌ی زمان خویش را در قالب داستان‌ها و روایات تاریخی به رشته تحریر درآورد.

از این روی، کتاب با نثری ساده و روان و نگرشی بعضاً عامیانه و غیررسمی، به شناخت بهتر از وضعیت اجتماعی ایران سده‌ی ۱۱ قمری و به ویژه نحوه زندگانی و تفکر اقشاری از جامعه‌ی آن روز و نیز مسایلی چون: روابط میان صوفیان و مرشد کامل، اعتقادات قزلباشان، مناسبات صوفیان با همسایگان شرقی و غربی خود کمک می‌کند. با عنایت به این که نمونه‌ی نویافته و جدید نسخه‌ی خطی عالم‌آرای شاه‌تھماسب، از جهاتی نسبت به نسخه‌ی تصحیح شده‌ی پیشین رجحان و برتری دارد؛ لذا انجام تصحیح و چاپ منقحی از آن ضرورت تام می‌یابد.

تصویری از نسخه نویافته رای شاه‌تهماسب



یادداشت‌ها:

- ^۱ هدایت، رضاقلی خان، تاریخ روضه الصفای ناصری، ج ۸، قم، حکمت، ۱۳۳۹، ص ۴۳.
- ^۲ نوایی، عبدالحسین، شاه‌تھماسب صفوی مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفضیلی، ج ۲، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۸، ص ۹.
- ^۳ براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ج ۲، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید، ۱۳۶۹، ص ۹۴.
- ^۴ بی‌نام، عالم آرای شاه‌تھماسب، تصحیح ایرج افشار، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰، ص ۸.
- ^۵ بی‌نام، عالم آرای شاه اسماعیل، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۲، ۱۳۸۴، ص ۱۱.
- ^۶ بی‌نام، عالم آرای شاه‌تھماسب، تصحیح ایرج افشار، ص ۹.
- ^۷ گلچین معانی، احمد، «تاریخ شاه‌تھماسب»، مجله یغما، سال هفدهم، ش ۸، آبان ۱۳۴۳، ص ۸.
- ^۸ الطباطبایی البهبهانی، محمد (منصور)، الشریعه الی استدراک الذریعه [آقا بزرگ تهرانی]، ج ۲، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵.
- ^۹ حسینی مرعشی تبریزی، اسماعیل، نسخه خطی تاریخ صفویان، شماره ۴۰۷۵، کتابخانه ملک، ص ۲۸۳.
- ^{۱۰} صدراپی خویی، علی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۷، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی با همکاری کتابخانه مجلس، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹.
- ^{۱۱} حسینی مرعشی تبریزی، اسماعیل، نسخه خطی عالم آرای شاه‌تھماسب، شماره ۱۳۷۳۹، کتابخانه مجلس، ص ۶۵۳.
- ^{۱۲} الطباطبایی البهبهانی، الشریعه الی استدراک الذریعه، ص ۲۲۵.
- ^{۱۳} حسینی مرعشی التستری (شوشتری)، سید نورالله، شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۴۴.
- ^{۱۴} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی عالم آرای شاه‌تھماسب، ص ۶۵۳.
- ^{۱۵} موسی بیگ و یان اسمیت، اولین سفرای ایران و هلند شرح سفر موسی بیگ سفیر شاه‌عباس به هلند و سفرنامه یان اسمیت سفیر هلند در ایران، ترجمه و نگارش ویلم فلور، تهران، طهوری، ۱۳۵۶، ص ۳۱.
- ^{۱۶} همان، ص ۳۴.

- ^{۱۷} میرزا رفیعا، محمد رفیع بن حسن، دستور الملوک، تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی و ترجمه ترجمه علی کردآبادی، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه، ۱۳۸۵، ص ۴۳۱.
- ^{۱۸} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی تاریخ صفویان، ص ۲۶۳
- ^{۱۹} کمپفر، انگلبرت، در دربار شاه ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۱۰۶.
- ^{۲۰} موسی بیگ و یان اسمیت، اولین سفرای ایران و هلند، ص ۳۴.
- ^{۲۱} وحید قزوینی، محمدطاهر بن حسین، تاریخ جهان‌آرای عباسی، تصحیح سعید میرمحمد صادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲.
- ^{۲۲} واله قزوینی، محمدیوسف، ایران در روزگار شاه‌صغی و شاه‌عباس دوم حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم خلد برین، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰، صص ۴۹۲ و ۴۹۳.
- ^{۲۳} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی تاریخ صفویان، ص ۲۶۳.
- ^{۲۴} میرزا رفیعا، دستور الملوک، ص ۴۳۱.
- ^{۲۵} موسی بیگ و یان اسمیت، اولین سفرای ایران و هلند، ص ۱۰۱.
- ^{۲۶} کمپفر، انگلبرت، در دربار شاه ایران، ص ۱۰۶.
- ^{۲۷} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی عالم‌آرای شاه‌تهماسب، ص ۱۱.
- ^{۲۸} همان، صص ۵۲ و ۵۳.
- ^{۲۹} افشار و دانش پژوه و... ایرج و محمدتقی، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۲، تهران، دانشگاه، ۱۳۵۴، ص ۸۴.
- ^{۳۰} مرعشی التسری (شوشتری)، سید نورالله، شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.
- ^{۳۱} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی عالم‌آرای شاه‌تهماسب، ص ۵۰۸.
- ^{۳۲} همان، ص ۷۸۶.
- ^{۳۳} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی تاریخ صفویان، ص ۲۱۴.
- ^{۳۴} همان، ص ۲۱۴.
- ^{۳۵} همان، ص ۲۸۳.
- ^{۳۶} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی عالم‌آرای شاه‌تهماسب، صص ۶۵۳ و ۶۵۴.
- ^{۳۷} همان، ص ۱.

^{۳۸} ترکمان، اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، تنظیم ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، چ ۳،

۱۳۸۲، ص ۱۱۷.

^{۳۹} همان، ص ۱۱۸.

^{۴۰} حسینی مرعشی تبریزی، نسخه خطی عالم آرای شاه‌تیماسب، ص ۷۹۶.